

## **Legislative criminal policies against the prohibition of violence against women in Iranian law and international instruments**

### **Abstract**

Violence against women as one of the most widespread human rights abuses, has always been of interest to the international community, especially women's rights advocates. This has attracted the attention and sensitivity of various governments, including Iran, and has led to the enactment of numerous international laws, treaties, and documents aimed at curbing violence against women. According to this issue in the present study which has been done by analytical and descriptive methods, we want to review and analyze the existing Iranian laws and international documents on the prohibition of violence against women. The question that this study seeks to answer is what are the existing legislative criminal policies regarding violence against women? In fact, in answer to this question, the research findings show that that Iran's legislative criminal policy towards the prohibition of violence against women in different eras with the influence of treaties, conferences, resolutions, declarations, recommendations and numerous meetings by the United Nations and governments in the field Nationally, regionally and internationally, it has had different approaches in different laws, contrary to international documents. The results of the present study also indicate that the Iranian legislature, in its legislative criminal policy against the prohibition of violence against women, has three approaches: the principle of equality, positive discrimination and negative discrimination, and international instruments in their legislative criminal policy approach to the principle of equality and Recent decades have also focused on a supportive approach.

### **Keywords**

Violence against Women, Legislative Crime Policy, Women's Rights, International Documents, Iran.

## سیاست های جنایی تقنینی در قبال منع خشونت علیه زنان در حقوق ایران و اسناد بین المللی

علیرضا خسروی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۸

مسعود بسامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

مسعود قاسمی<sup>۳</sup>

### چکیده

خشونت علیه زنان بعنوان یکی از بیشترین تعداد موارد نقض حقوق بشری، همواره مورد توجه جامعه جهانی بخصوص طرفداران حقوق زنان در ایران بوده است. این امر، حساسیت دولت ها و نهادهای مختلف را به خود معطوف داشته و موجب تصویب قوانین و اسناد بین المللی متعددی در راستای منع خشونت علیه زنان شده است. با توجه به هدف پژوهش حاضر که با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است به بررسی و ارزیابی قوانین ایران و اسناد بین المللی موجود در باب منع خشونت علیه زنان بپردازیم. سوالی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن می باشد این است که سیاست های جنایی تقنینی موجود در خصوص خشونت علیه زنان چگونه است؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان در ادوار مختلف با تاثیر پذیری از معاهدات، کنفرانس ها، قطعنامه ها، اعلامیه ها، و اجلاس متعددی که توسط سازمان ملل و دولت ها در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی برپا شده، در قوانین مختلف برخلاف اسناد بین المللی، رویکردهای متفاوتی داشته است. همچنین نتایج پژوهش حاضر بیانگر این موضوع است که قانون گذار ایران، در سیاست جنایی تقنینی خود در قبال منع خشونت علیه زنان به سه رویکرد: اصل برابری، تبعیض مثبت و تبعیض منفی و اسناد بین المللی در سیاست جنایی تقنینی خود به رویکرد اصل برابری و در دهه های اخیر علاوه بر آن به رویکردی حمایتی توجه نموده است.

**واژگان کلیدی:** خشونت علیه زنان، سیاست جنایی تقنینی، حقوق زنان، اسناد بین المللی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه،

ایران [Khosraviavayemehr@gmail.com](mailto:Khosraviavayemehr@gmail.com)

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول) [Mbassami1360@gmail.com](mailto:Mbassami1360@gmail.com)

<sup>۳</sup> استاد یار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران [md.ghasemi@yahoo.com](mailto:md.ghasemi@yahoo.com)

خشونت علیه زنان بعنوان یکی از پرتعدادترین موارد نقض حقوق بشر، همواره مورد توجه محافل جهانی بالاخص مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد ملی و بین المللی را به خود اختصاص داده است که در اشکال مختلفی بروز پیدا می کند؛ به عنوان مثال خشونت های خانگی، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، روسپیگری های اجباری، جنسیت گزینی جنین، قطع اندام های جنسی، ایراد ضرب و جرح، بارداری ناخواسته، توهین و تعرض و تجاوزات جنسی نظامند در درگیری های مسلحانه بین المللی و داخلی، تنها نمونه هایی از این خشونت هاست و هم اکنون نیز خشونت بر میلیون ها زن از هر سطح و طبقه اجتماعی، اقتصادی و با هر میزان تحصیلات سایه افکنده است. گزارش بازرسان سازمان ملل متحد مبنی بر افزایش خشونت و تجاوز جنسی سیستماتیک در برخی از کشورها از جمله سوریه، تعیین روز جهانی (۲۵ نوامبر) مبنی بر جلوگیری از خشونت علیه زنان از نهادهای بین المللی دلالت بر افزایش خشونت علیه زنان دارد. این امر، توجه و حساسیت دولت ها و سازمان های بین المللی را به خود معطوف داشته و موجب تصویب مقاله نامه ها و اسناد بین المللی متعددی در راستای منع خشونت علیه زنان شده است. اگرچه نمی توان از اثرگذاری اسناد مذکور و تلاش نهادهای غیر دولتی و سمن ها در گسترش مفاهیم حقوق بشری در میان اقوام و ملل متفاوت چشم پوشی نمود، اما همچنان در سراسر دنیا، شاهد نقض حقوق انسانی زنان هستیم. در این خصوص می توان گفت، از یک سو مشکلات اجرایی اسناد بین المللی به ویژه فقدان ضمانت اجرای کارآمد در نظام بین المللی کیفری و از سوی دیگر عدم همکاری موثر دولت ها به دلایل متفاوت، مانع اجرای مفاد این اسناد و در نهایت مانع رفع خشونت بر زنان به نحو موثر شده است.

کشور ایران نیز اگر بصورت تاریخی بررسی کنیم موضوع خشونت علیه زنان غریبه نبوده و آمارهای ارایه شده بر صحت این موضوع دلالت دارد. آمارهای رسمی اعلامی، مبنی بر تشکیل ۲۵٪ درصدی پرونده های ناشی از خشونت در محاکم دادگستری (معاونت اجتماعی قوه قضاییه، ۱۳۹۹)، اعلام رسمی نزاع و خشونت به عنوان دومین عامل مرگ افراد در اورژانس ها (روابط عمومی وزارت بهداشت، ۱۳۹۹)، اختصاص پرسش مهر به مساله خشونت از سوی ریاست محترم جمهور و ... همگی بر اهمیت و حساسیت موضوع دلالت دارند. با توجه به موارد اشاره شدخ پژوهش حاضر بدنبال بررسی قوانین ایران و اسناد بین المللی در باب جلوگیری و پیشگیری از خشونت علیه زنان است. هرچند درخصوص عوامل منجر به خشونت علیه زنان، تحقیقاتی انجام شده، ولی تحقیقی با این عنوان، صورت نگرفته است. لذا پرسش پژوهش حاضر این است که: سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین المللی موجود در قبال منع خشونت علیه زنان چگونه است؟

در ادامه می توان گفت که؛ سیاست جنایی تقنینی در قبال منع خشونت علیه زنان در کشور در ادوار مختلف با بومی کردن قوانین بین المللی و ... که توسط نهادهای بین المللی و ملی برپا شده برخلاف اسناد بین المللی، رویکردهای مختلفی دارد در پژوهش حاضر با توجه به بررسی پیشینه تحقیق مشخص شده که تاکنون چنین پژوهشی در ایران انجام نگرفته و می توان گفت کاری جدید در این زمینه است.

منصور خانی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان؛ خشونت علیه زنان در اسناد بین المللی و علی‌زاده (۱۳۹۸) در ن ارزیابی فقهی حقوقی خشونت علیه خانواده در «قانون منع خشونت» در افغانستان و «لایحه صیانت، کرامت و تامین امنیت بانوان در برابر خشونت» در ایران به این موضوع پرداخته است.

## ۱- کلیات

### ۱-۱- تعریف خشونت

خشونت مساله اجتماعی است که بشر از آغاز جهان پیوسته با آن و به آن مشغول بوده و تن و روان او را همواره فرسوده است (گرمارودی و بشیریه: ۱۳۹۲: ۲). در تعریف خشونت می توان اشاره داشت که؛ آن را عملی خلاف یک هنجار می دانند و گروهی دیگر، آن را رفتاری فردی و جمعی تعریف می کنند که تحت شرایط خاصی بروز می یابد. از نظر بعضی، خشونت هر نوع رفتار خشنی می باشد که از روی قصد و به منظور آسیب به فرد دیگری اعمال می شود (یعقوبی، ۱۳۹۲: ۳۳) و در تعریفی دیگر، هرگونه تهاجم فیزیکی علیه انسان است که با هدف ایجاد صدمه و رنج، همراه است. البته برخی دیگر اعتقاد دارند که خشونت، دامنه وسیعی از رفتارهای تند و آسیب زا تا عکس العمل های منفی همچون بی توجهی و بی تفاوتی را نیز در بر می گیرد. (کرمانچی، ۱۳۸۶: ۳۳)

نظر سنجی های نیز نشان داده که تعریف مردم از خشونت، بسیار گوناگون است. تعدد تعاریف خشونت؛ مؤید نسبی بودن این مفهوم است و دلالت بر این مسأله دارد که خشونت در زمان و مکان مختلف تغییر می یابد و نقطه عطف و یا وجه اشتراکی که شاید بتوان برای آن قائل شد، همان سوء رفتار و یا تعرض ناروا و ضد اجتماعی است که شامل هرگونه فعل یا ترک فعلی می گردد. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۵)

### ۱-۲- خشونت علیه زنان

هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب یا با احتمال آسیب جسمی یا روانی مضر و با رنج زنان همراه گردد. بعنوان تعریف خشونت علیه زنان از سوی سازمان ملل (۱۹۳۳) اعلام گردید. (رنجبران و دبیر زاده، ۱۳۹۰: ۲۹)

این اعلامیه با وجود آنکه نخستین سند بین المللی حقوق بشری است که به طور ویژه به مسأله خشونت بر علیه زنان پرداخته، صرفاً به ذکر مصادیقی از خشونت مانند تجاوز به عنف، سوءاستفاده جنسی، قطع اندام جنسی، بهره کشی از فحشا، سوءاستفاده در حمل مواد مخدر، شکنجه و تجاوز به عنف سیستماتیک، اسارت جنسی و حاملگی اجباری اکتفا نموده است و طبقه بندی کرده است. (همان، ۹۳) در طول دهه های گذشته، پارلمان اتحادیه اروپا، خشونت علیه زنان را به عنوان ناقض حقوق بشر زنان و نیز به عنوان شکلی از تبعیض جنسیتی که سبب محرومیت زنان از آزادی های اساسی و ، بعنوان سدی جدی در برابری حقوق زنان و مردان، پذیرفته و مشخص کرده است. (Bonewitt, A., & De Santis, E., ۱۱, ۲۰۱۶)

در ماده ۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، « هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا محرومیت از حقوق و آزادی های قانونی وی گردد» تحت عنوان تعریف خشونت علیه زنان مطرح

شده است که در قالب یکی از عناوین جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده و جرایم علیه آزادی‌های مشروع بانوان مطابق مقررات این قانون رسیدگی می‌شود.

### ۳-۱- انواع خشونت

در بررسی تعاریف ارائه شده از سوی کارشناسان و عوامل مرتبط با موضوع، می‌توان انواع متفاوتی از خشونت را دریافت کرد. در واقع خشونت، به تناسب این که در چه حوزه، افراد، زمانی و اینکه توسط چه کسانی رخ می‌دهد، قلمرو آن مشخص می‌گردد و به انواع مختلفی تقسیم بندی می‌شود.

خشونت را می‌توان از نظر شکل بروز به انواع آشکار، پنهان و نمادین، از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت؛ به انواع آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته، از نظر کیفیت آسیب؛ به خشونت روانی (روحی)، خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم بندی نمود. همچنین از نظر این که خشونت علیه چه کسی اعمال می‌شود؛ به انواع متفاوت خشونت علیه زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و اقلیت‌های مختلف با توجه به (نژاد، رنگ، قومیت، زبان و غیره) تقسیم بندی شده است.. (عبدالحسنی، طه: ۱۳۹۶: ۱۹)

همچنین پارلمان اتحادیه اروپا، خشونت بر علیه زنان را به اقسامی چون، خشونت خانگی، خشونت جنسی از جمله تجاوز جنسی، قاچاق انسان، خشونت فیزیکی از جمله سقط اجباری و عقیم سازی اجباری، خشونت بدنی، قطع آلت تناسلی زنانه (ختنه)، ازدواج اجباری، و هتک حرمت طبقه بندی کرده است. (Delmas-Marty, M, “ (2013): 534).

### ۴-۱- تعریف سیاست جنایی

سیاست جنایی شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبگری می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. (Delmas-Marty, “Ambiguities and lacunae, 539) در این دیدگاه، سیاست جنایی مساوی با سیاست کیفری بوده و با اعمال کردن تدابیر قهرآمیز دولتی در قبال جرم، به اقدامات پیشگیرانه در درمان و اصلاح مجرمین توجهی ندارد. در تعریفی دیگر سیاست جنایی، سیاست و برنامه خاص در زمینه کنترل بزهکاری، از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدام‌ها و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزهکاری است. (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۵۶)

### ۵-۱- اقسام سیاست‌های جنایی:

#### ۱-۵-۱- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی، عبارت است از تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی و ایدئولوژیک هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد و می‌توان آن را سلیقه قانونگذار و انتخاب‌های وی در انواع جرایم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم دانست که نمود آن در قوانین مختلف هر جامعه مشخص می‌شود. (عظیمی زاده و ریاضت، ۱۳۹۴: ۴۵) به عبارت دیگر، سیاست جنایی تقنینی

مجموعه ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در بر می گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می باشد. (عظیمی زاده؛ حسابی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

#### ۲-۵-۱- سیاست جنایی قضایی

مراد از این قسم از سیاست جنایی، رویه و سیاستی است که در آراء و تصمیمات قضات دادگستری برون داد عینی می یابد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی قضایی، سیاستی است که قوه قضائیه و به ویژه قضات دادگستری برای اجرای قانون و در جریان آن اعمال می کنند. در واقع سیاست جنایی قضایی، انعکاس سیاست جنایی تقنینی در جریان رسیدگی قضایی است و نیز تفسیری است که قضات دادگاه ها در حین اجرای قانون از آن به عمل می آورند. (مندنی، ۱۳۹۳: ۴۵) به عبارت دیگر می توان گفت، سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، بطوریکه مورد تفسیر و عمل قضات در قضاوت قرار گیرد. (عظیمی زاده و حسابی، «پیشین»، ۱۲۱).

#### ۳-۵-۱- سیاست جنایی اجرایی

نهادهای اجرایی هر کشور یکی از مراجع اعمال سیاست جنایی است. نحوه برخورد قوه مجریه با مسئله انحراف و جرم و در واقع نحوه نظارت و اجرای قوانین قوه مقننه خود جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که از آن به سیاست جنایی اجرایی یاد می شود. سیاست جنایی اجرایی، اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه می باشد. (کوشا و دهقانی سانج، «پیشین»، ۹۰-۸۹).

#### ۴-۵-۱- سیاست جنایی مشارکتی (مردمی)

با توجه به گسترش انواع بزهکاری با ابعاد و اشکال مختلف و عدم کارایی و اثربخشی ابزارهای نظام کیفری، مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی توأم با شرکت و وسیع جامعه، غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می شود. سیاست جنایی مشارکتی، کم هزینه ترین راه مقابله با پدیده مجرمانه است. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی به این معناست که، پیشگیری و سرکوب از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، می توان پذیرفت که تجربه های پیشگیری و سرکوب نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. (به علاوه این نهادها امروزه پیش گیرنده از بزهکاری نیز می باشند. (دانش، ۱۳۸۶: ۳۵)

#### ۲- سیاست جنایی تقنینی قانون گذاران کیفری در قبال منع خشونت علیه زنان

قانون گذاران کیفری در مواجهه با خشونت علیه زنان، در سیاست جنایی تقنینی خود از سه رویکرد متفاوت: ۱. اصل برابری (برابری زنان با مردان در حقوق کیفری)، ۲. تبعیض مثبت (فراهم کردن حمایت ها و تضمینات

قانونی ویژه و متفاوت با مردان برای زنان در حقوق کیفری ماهوی و شکلی) و ۳. تبعیض منفی (فقدان حمایت کیفری و قانونی یکسان زنان با مردان) بهره برده‌اند.

نگاهی گذرا و سطحی به اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری عام و خاص نشان می‌دهد که رویکرد نخست بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (مواد ۲ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و هرگونه اعمال تبعیض بر اساس جنسیت نفی شده است ولی این موضوع، بدین معنا نیست که رویکرد دوم (هرچند این سیاست در این اسناد بسیار کم رنگ است) جایگاهی در اسناد حقوق بشری بین‌المللی نداشته باشد. با توجه به این مقدمه در این قسمت ما به بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی موجود و قوانین موضوعه در ایران در باب مساله خشونت بر علیه زنان می‌پردازیم.

## ۲-۱ سیاست جنایی در قوانین کیفری مرتبط با جرایم علیه زنان

سیاست جنایی تقنینی در ایران در قبال منع خشونت علیه زنان به هر سه رویکرد اشاره شده توجه کرده و این مسئله در حقوق کیفری نمود بیشتری داشته است. در برخی از موارد، قانون‌گذار کیفری ایران با جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از پیامد آنها بزه دیده می‌شوند (مانند مواد ۶۱۹ و ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی)، به حمایت کیفری ویژه از زنان اقدام کرده و گاه با حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر مهم‌ترین جرائم جسمی مانند: قتل، قطع عضو و ضرب و جرح (در مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۷۳ و ۳۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، رویکرد تبعیض منفی و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رویکرد تبعیض مثبت را اتخاذ کرده است. در موارد بسیاری نیز قانون‌گذار همانند اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده و اصل برابری را رعایت کرده است. در قوانین خاص نیز سیاست جنایی ایران در قبال مساله خشونت علیه زنان متفاوت بوده است که به برخی از مهم‌ترین آنها در ادامه اشاره می‌شود:

### ۱-۱-۲ قوانین مربوط به اسید پاشی

۱. هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
۲. هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.
۳. هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.
۴. هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.
۵. در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرحی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.
۶. دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است.

در قوانین مربوط به اسیدپاشی، تا قبل از قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱، پاسخ‌های سیاست جنایی ایران به اسید پاشی حکما پاسخ‌های کیفری است که از سوی دولت اعمال می‌شد و تدابیر حمایتی<sup>۱</sup> و یا غیر کیفری مدنظر قانونگذار نبوده است.

بعد از انقلاب با تصویب قانون جدید قانونگذار در سیاست جنایی تقنینی خود دو هدف اساسی را دنبال کرد: نخست، تشدید مجازات اسیدپاشی از طریق پیش‌بینی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت<sup>۲</sup> حبس‌های تعزیری درجه یک تا چهار به میزان دیه اعضای بدن از جهت جنبه عمومی جرم، مجازات اعدام با شرایط ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی<sup>۳</sup> ممنوعیت اعمال کلیه نهادهای ارفاقی از جمله تخفیف، تعلیق، آزادی مشروط و تشدید مجازات معاونت در ارتکاب جرم اسیدپاشی به عنوان سازوکارهای کیفری و در جهت تشدید کیفر و دوم، موضوعی که در قانون سال ۱۳۳۷ مغفول مانده بود و در طرح مذکور به عنوان راهکار و مجازاتی غیرکیفری به آن توجه شد، بحث حمایت از بزه دیدگان این جرم است که به یقین در جرم گفته شده؛ اهمیتی مضاعف می‌یابد. جبران خسارت معنوی علاوه بر خسارت مادی و نیز سایر راهکارهای حمایتی، از جمله پرداخت هزینه‌های درمان از محل صندوق تامین خسارت‌های بدنی<sup>۴</sup> یا خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی و رسیدگی خارج از نوبت به دعوی اسیدپاشی در این قانون پیش‌بینی شده است که در اصل وجه تمایز این قانون نسبت به قانون قبلی همین رویکرد حمایتی دولت از منظر مادی و روانی از بزه دیده است نه تشدید مجازات.

#### ۲-۱-۲ قوانین مربوط به قاچاق انسان

سیاست جنایی تقنینی ایران برای مقابله با جرم قاچاق انسان که به آن بردگی سفید می‌گویند. (صادقی، ۱۳۹۷: ۵۷۱)، در دوران قبل از انقلاب اسلامی محدود به قوانینی پراکنده بود. بعد از انقلاب با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳، این سیاست به یک سیاست جنایی مجازات محور تبدیل و تقریباً از تمامی ظرفیت‌های حقوق جزا برای پاسخ‌گویی به این جرم استفاده کرده است. و پاسخ‌های ذاتاً غیر کیفری نیز برای این بزه و جرم (مانند: پاسخ‌های برگرفته از نظام حقوق مدنی شامل محرومیت از حق حضانت و محرومیت از مالکیت

<sup>۱</sup> شامل تسهیل دسترسی و مشارکت بزه دیدگان در دادگاهها و دادرسی‌ها، دسترسی به اطلاعات و نمایندگان حقوقی، پرداخت غرامت و جبران خسارت، مساعت در زمینه زبان و ترجمه، مراقبت‌های پزشکی - روانشناختی، برنامه‌های پناهگاهی...

<sup>۲</sup> قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱.

<sup>۳</sup> ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱.

<sup>۴</sup> بغي و افساد فی الارض.

<sup>۵</sup> در قانون جدید اگر دسترسی به مرتکب جرم نباشد و یا مجرم استطاعت مالی نداشته باشد، دولت مکلف است که قربانیان اسیدپاشی را حمایت کند؛

<sup>۶</sup> در حقوق ایران، در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی محرومیت از حق سرپرستی و حضانت که یک حق مدنی است، به عنوان پاسخی به سوءاستفاده از کودکان و بهره‌کشی جنسی از آنان پیش‌بینی شده است.



اموال<sup>۱</sup> و همچنین، پاسخ های نظام حقوق اداری و صنفی شامل: انفصال از خدمت و ابطال پروانه فعالیت و انحلال شرکت و موسسه و نیز تدابیر امنیتی<sup>۲</sup> - حمایتی<sup>۳</sup> مدنظر قانونگذار بوده است.<sup>۴</sup>

### ۳-۱-۲ سیاست جنایی در اسناد بین المللی (مرتبط با جرایم علیه زنان در قوانین کیفری)

اسناد بین المللی در پاسخ به یک جرم بین المللی اغلب نوع پاسخ کیفری را به دلیل احترام هر چه بیشتر به حاکمیت ملی دولت ها تعیین نمی کنند. زیرا تعیین جرم و مجازات یکی از نمادهای آشکار اقتدار و حاکمیت هر دولت است. لذا پاسخ های اولیه اسناد بین المللی در جرائم ارتكابی علیه زنان اغلب در قالب پیشنهاد های پیشگیرانه<sup>۵</sup> دعوت دولت ها به همکاری های بین المللی<sup>۶</sup> بازگرداندن مجرمین به کشور خود<sup>۷</sup> و الزام آنها به جرم انگاری جلوه های ابتدایی جرائم ارتكابی از جمله قاچاق انسان است. بر این پایه، به استثنای ماده ۵ قرارداد بین المللی ۴ مه ۱۹۰۴ که به طور ضمنی مجازات تبعید را برای بهره کشی جنسی از زنان مقرر نموده است اسناد بین المللی، پاسخ مشخصی را به کشورها الزام نکرده بلکه آنها را مکلف به پیش بینی پاسخ درخور و مناسب در قبال این جرم و مساله اجتماعی کرده اند. این سازمان در کنار اجرای پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی در مناطق آلوده جهان که به صورت ملی و منطقه ای انجام می شود، برای آگاهی بخشی و ایجاد حساسیت در اذهان افراد به ویژه دولت های دیگر با پدیده خشونت علیه زنان، مبادرت به برگزاری همایش ها و کنفرانس های منطقه ای و جهانی مختلفی کرده که این وضعیت هم اکنون هم ادامه دارد.

### ۳-۲-۲ سیاست جنایی در قوانین غیر کیفری مرتبط با جرایم علیه زنان

#### ۱-۲-۲ قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی ترین و بالاترین سند حقوقی کشور، اساس تهیه، تنظیم و سایر قوانین است و اصول سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، روابط خارجی، ساختار قدرت سیاسی را تعیین کرده و ضامن حقوق شهروندی افراد است. قانون گذار ایران در مقررات تقنینی خود در مورد زنان در قانون اساسی موکداً به حقوق اساسی زنان با رویکردی حمایتی توجه ویژه کرده و با تأکید بر اصل تساوی و برابری افراد در

۱. براساس ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تمامی اشیاء، اسباب و وسائط نقلیه ای که عالماً و عامداً به امر قاچاق انسان اختصاص داده شده اند به نفع دولت ضبط خواهد شد.

۲. شامل اقدامات و تدابیر امنیتی که ناظر به حفظ تمامیت جسمانی و حتی روانی و عاطفی بزه دیده هستند و بیشتر جنبه پیشگیرانه دارند و حمایت های قضایی، پزشکی، روانی و ... که جنبه ترمیمی دارند.

۳. شامل تسهیل دسترسی و مشارکت بزه دیدگان در دادگاهها و دادرسی ها، دسترسی به اطلاعات و نمایندگان حقوقی، پرداخت غرامت و جبران خسارت، مساعدت در زمینه زبان و ترجمه، مراقبت های پزشکی - روانشناختی، برنامه های پناهگاهی...

۴. عباس ذاقلی و علی حسین نجفی ابرندآبادی، *قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی*، (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹)،

۱۸۲.

۵. ماده اول مقاوله نامه ۱۹۰۴ و ماده ۶ قرارداد بین المللی ۱۹۲۱....

۶. ماده ۳ قرارداد ۱۹۳۳ و ماده ۸ قرارداد تکمیلی بردگی.

۷. ماده سوم مقاوله نامه ۱۹۰۴.

برابر قانون و در پی آن با حمایت کیفری از آنان، از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم ممانعت نموده است. همچنین علاوه بر رویکردهای که در بالا اشاره شده است، در برخی موارد نیز از رویکرد دیگری تحت عنوان رویکرد منفی استفاده شده است.<sup>۱</sup>

برای تکمیل این مبحث در کشور؛ این نکته ضروری است که بر اساس قانون اساسی رعایت حقوق افراد، فقط مختص مسلمانان نیست بلکه باید حقوق تمامی انسان‌ها اعم از مسلمانان و غیر مسلمان کاملاً براساس موازین شرعی و قانونی رعایت گردد چنانچه در اصل چهاردهم قانون اساسی بیان شده است دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. لذا با این اوصاف می‌توان بیان کرد نگارندگان قانون اساسی سعی در آن داشته‌اند این قانون بر اصل تساوی و برابری همگان در برابر قانون تاکید نمایند و با تصریح بر این اصل از اعطای امتیازات واهی و غیرقانونی و غیر شرعی به طبقه یا قشر خاصی از مردم پرهیز نمایند و اصل بر رعایت عدل و قسط باشد.

## ۲-۲-۲ قانون کار

قانون گذار در مقررات تقنینی قضایی ایران خود در قانون کار، اصل برابری و تبعیض مثبت را به رسمیت شناخته و با رویکردی حمایتی و به شکل خاص به جرم‌انگاری و در پی آن کیفرگذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده است. متمم قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵) برای نخستین بار بر پایه اصل (۸) و پس از آن، قانون اساسی مصوب (۱۳۵۸) به این حق در اصول (۱۹) و (۲۰۹) اشاره شده است. قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز در همین راستا اصل برابری را در ابعاد مختلف، از جمله در زمینه تعیین میزان مزد زنان کارگران در ماده (۳۸)، مورد حمایت کیفری قرار داده و تفاوت در تعیین میزان مزد کارگران به دلیل ویژگی‌های نژادی، سنی، جنسیتی، ... از سوی قانون‌گذار ایران جرم‌انگاری تعریف شده است. همچنین قانونگذار

۱. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی

۲. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت سیاسی زنان مانع قانونی وجود نداشته و لکن در تصدیق مناصب مدیریتی، در موارد خاصی نظیر احراز مقام رهبری، ریاست جمهوری، قضاوت به دلایل عدیده‌ای، شاهد محدودیت‌ها و محدودرات قانونی هستیم

۳. اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوق هستند.

۴. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

۵- همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۶. برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.

ایران در مواد (۷۵)، (۷۷) و (۱۷۶) واگذاری کارهای خطرناک، سخت و زیان آور اعم از زیان های جسمی و روانی و مواد (۷۸)، (۱۷۳) و (۱۷۵) را به زنان ممنوع کرده است. افزون بر شناسایی حقوق مادران شیرده، با رویکردی حمایتی (تبعیض مثبت) و به شکل ویژه به جرم انگاری و در پی آن کیفر گذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده تا کار این گروه از شهروندان زمینه وارد شدن آسیب های جسمی - روانی به آنان را فراهم نکند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۷: ۱۲۳)

### ۳-۲-۲ قانون تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی از مهم ترین الزامات تحقق عدالت اجتماعی در کشور محسوب می شود، نظام حقوقی ایران به ویژه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و گسترش شعارهای عدل، قسط و برابری، و رفع هرگونه تبعیض، دست کم در سیاست ها و برنامه ها به دنبال تحقق عدالت اجتماعی از طریق رویه تأمین اجتماعی در اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی بوده و هست. با نگاهی به حکومت صدر اسلام (دولت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع)) واضح و مبهرن است که این حکومت ها مبتنی بر برقراری اصل برابری و عدم تبعیض در رفاه بین مسلمین بوده است. قانونگذار، دولت جمهوری اسلامی را ملزم به دخالت در اجرا و نظارت بر آن نموده است. بنابراین قوانین تأمین اجتماعی در ایران هر چند آن گونه که در اهداف اولیه آن وضع گردیده، به جهت کمبود منابع و افزایش جمعیت تحت پوشش، نتوانسته منطبق با اصولی که حکومت اسلامی مشخص کرده است، حرکت نماید، تلاش انجام شده بیانگر اراده حکومت اسلامی در طی مسیر برقراری عدالت و مساوات در این حوزه می باشد.

۱. انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است.
۲. در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، [باید] بدون کسر حق السعی، کار مناسب تر و سبک تری به او ارجاع [نماید].
۳. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۵۲ - ۶۱ - ۷۵ - ۷۷ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۴ و ۹۱ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:
  - ۱ - برای ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر
  - ۲ - برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر
  - ۳ - برای تا بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
 در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد.
۴. در کارگاه هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می شود و هم چنین، کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آن ها مراکز مربوط به نگه داری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و ...) را ایجاد نماید.
۵. بر پایه ماده ۱۷۳ قانون کار کارفرمایان در صورت تخلف با پاسخ های ترمیمی (رفع تخلف و ایجاد شرایط مناسب برای تأسیس مراکزهای یاد شده) و کیفری (کیفر مالی) رو به رو می شوند.
۶. بر پایه ماده ۱۷۵ این قانون، نقض حقوق یاد شده برای بار نخست کیفر مالی و در صورت تکرار، افزایش کیفر مالی و کیفر زندان (از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز) را در پی دارد.

قوانین جمهوری اسلامی علیرغم پیشرو بودن در حفظ کرامت زن نسبت به جوامع دیگر و غنای آموزه‌های دینی در حفظ امنیت روانی، جسمی و جنسی زن و اصول مترقی قانون اساسی، متأسفانه برخی اهداف مدنظر تحقق نیافته است. هرچند در قوانین مختلف به صورت پراکنده مقرراتی در این زمینه وجود دارد لکن تجمیع و انسجام آن‌ها در کنار جرم‌انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان در محیط‌های مختلف، ایجاب می‌کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت و توسعه یابد.

#### ۴-۲-۵ سیاست جنایی موجود در اسناد بین‌المللی (مرتبط با جرایم علیه زنان در قوانین غیر کیفری)

به طور کلی، بعد از جنگ جهانی دوم<sup>۱</sup> در سیاست جنایی تقنینی مرتبط با زنان در اسناد بین‌المللی آدر حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تغییراتی مشاهده می‌شود، در ابتدا تأکید بر تساوی جنسیتی<sup>۲</sup> و در دهه‌های اخیر، بیشتر حول مسائلی همچون: رفع هرگونه تبعیض، برابری و حمایت‌هایی با رویکرد مثبت است که این موضوع در کنوانسیون استانبول ۲۰۱۱ بعنوان جامع‌ترین سند حقوقی بین‌المللی قابل رویت است. این کنوانسیون با رویکردی جامع در قبال اشکال گوناگون خشونت و همچنین جرم‌انگاری آنها و نیز تعمیم و توسعه دامنۀ تعهدات دولت‌ها، ضمن توجه به رویکرد برابر، دولت‌ها را ملزم نموده با ارائه تدابیر قانونی، حمایتی، آموزشی و توسعه برنامه‌های پیشگیرانه و اشکالی دیگر چون؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای، بهداشتی و پزشکی و نیز بکارگیری واکنش‌های کیفری مناسب، از وقوع هرگونه خشونت علیه زنان ممانعت به عمل آورند.

<sup>۱</sup> . از زمان تصویب منشور ملل متحد و اعلامیۀ جهانی حقوق بشر

<sup>۲</sup> . از جمله: میثاقین، کنوانسیون محو کلیۀ اشکال تبعیض علیه زنان، برنامه عمل نایروبی، اعلامیۀ توسعه هزاره و ...

<sup>۳</sup> . یونسف در تعریف تساوی جنسیتی بیان می‌کند: «تساوی جنسیتی به معنی بهره‌مندی زنان و مردان و دختران و پسران از حقوق، منابع، فرصت‌ها و حمایت‌های برابر می‌باشد.

مساله خشونت بر علیه زنان یکی از پیشروترین موارد نقض حقوق بشر، همواره مورد توجه جامعه جهانی به خصوص مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد ملی و بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. اگرچه به نظر می‌رسد توجه به ابعاد حقوقی منع خشونت علیه زنان از دستاوردهای غرب در یکی دو قرن اخیر است اما اندکی تأمل و تعمق در این زمینه سابقه‌ای بسیار طولانی را در تاریخ حقوق جزایی اسلام و قوانین مشرق زمین نشان می‌دهد. در این مورد می‌توان گفت، تاریخچه قوانین مربوط به رعایت حقوق زنان و منع خشونت علیه آنان در کشورهای غربی به حدود دویست سال قبل برمی‌گردد در حالی که احکام اسلام در باب حقوق زنان و منع خشونت علیه آنان مربوط به چهارده قرن پیش است. با این وجود، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان در دوره‌های مختلف با تأثیر گرفتن و مطابقت از معاهدات، کنفرانس‌ها، قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌ها و اجلاس‌های متعددی که توسط سازمان ملل و دولت‌ها در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برپا شده، و بومی‌سازی آن‌ها در قوانین مرتبط با منع خشونت زنان رویکردهای متفاوتی داشته است. در برخی موارد، قانون‌گذار کیفری ایران با جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خاص، رویکردی حمایتی، در خصوص برخی دیگر، رویکردی منفی و زمانی رویکرد تبعیض مثبت را اتخاذ نموده و در موارد بسیاری نیز قانون‌گذار همانند اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منشور حقوق شهروندی و قوانین متعدد دیگر، به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده و اصل برابری و عدم تبعیض را رعایت کرده است. در مقابل در اسناد بین‌المللی موجود رویکرد حاکم در مورد زنان، در ابتدا تأکید و پیگیری بر مفهوم تساوی جنسیتی و رفع هر گونه تبعیض علیه آنها بوده که پاسخ‌های اولیه به این جرائم، اغلب در قالب راهکارهای پیشگیرانه، دعوت دولت‌ها به همکاری‌های بین‌المللی، بازگرداندن بزه‌دیدگان به وطن و الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری جلوه‌های ابتدایی جرائم ارتكابی و در دهه‌های اخیر، سیاست جنایی تقنینی موجود، علاوه بر تساوی جنسیتی، رویکردی حمایتی و مثبت شامل: ارائه تدابیر قانونی، تدابیر حمایتی، تدابیر آموزشی لازم، توسعه برنامه‌های پیشگیرانه، ارائه خدمات مشاوره‌ای، بهداشتی، پزشکی و نیز بکارگیری واکنش‌های کیفری مناسب است.

- آقایی، مهدی. رسیدگی به جرایم منافی عفت: با نگرشی کاربردی، چاپ یکم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷.
- دانش، تاج‌زمان. حقوق زندانیان و علم زندانها، چاپ یکم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- داودی گرمارودی، هما و بشیریه، تهمورث. زن در آینه حقوق و اجتماع، همایش ملی رفع خشونت علیه زنان؛ چالش‌ها و راهکارها، چاپ یکم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
- ذاقلی، عباس. «سیاست جنایی ایران علیه قاچاق انسان در پرتو اسناد بین‌المللی»، رساله دکترا، تهران: دانشگاه شهید مطهری، ۱۳۸۸.
- ذاقلی، عباس و نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین. قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ یکم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- رنجبران، قاسم و دبیرزاده، الهه. خشونت بر زنان در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ یکم، تهران: نشر فرهنگ شناسی، ۱۳۹۰.
- سبحانی، نگار. «بررسی جرم شناختی ده سالی خشونت علیه زنان در ایران از ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- عبدالحسینی، سلامه و طه، فریده. خشونت خانگی (بررسی حقوقی - جرم شناختی اسناد سازمان ملل، چاپ یکم، تهران: نشر ملل، ۱۳۹۶.
- عزتی لطف، بهزاد و طالبی. محشای مجموعه قوانین و مقررات حقوق خانواده، چاپ یکم، تهران: معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۸.
- عظیمی زاده اردبیلی، فایزه و ریاضت، زینب. «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۶۳(۱۳۹۴): ۴۳-۶۷.
- عظیمی زاده اردبیلی، فایزه و حسابی، ساره. «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، فصلنامه تعالی حقوق، ۱۱۳(۱۳۹۰): ۱۱۳-۱۳۳.
- کرمانچی، جمشید، رفیعی فر، شهرام و افتخاری، مامک، گزارش جهانی خشونت و سلامت، چاپ یکم، تهران: نشر تندیس، ۱۳۸۶.
- کوشا، جعفر و دهقانی سانج، محمدرضا. «سیاست جنایی در جرائم اقتصادی»، فصلنامه دانش حقوق و مالیه، ۸۵(۱۳۹۶): ۸۵-۱۰۱.
- معاون حقوقی رئیس جمهور. مجموعه حقوق و مقررات شهروندی. چاپ یکم، تهران: معاون تهیه، اصلاح و نشر قوانین و مقررات، ۱۳۹۰.
- میرمحمدی صادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص، چاپ یکم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.

مندنی، اسلام، کونانی، سلمان و انصاری، جمال. سیاست جنایی: از گفتمان تا برساخت هایی ریزومیک شده و ناروا، چاپ دوم، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، دایرةالمعارف علوم جنایی، علوم جنایی حقوقی، چاپ یکم، تهران. نشر میزان ۱۳۹۷.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین. تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ یکم، تهران. نشر میزان، ۱۳۹۲.  
یعقوبی دوست، محمود. خشونت خانگی علیه کودکان (عوامل و راهکارهای مقابله با آن)، چاپ یکم، تهران: انتشارات تالیا، ۱۳۹۲.

Bonewitt, A., & De Santis, E. *The Issue of Violence against Women in the European Union*. Brussels: Directorate General for Internal Policies, European Parliament.

Delmas-Marty, M, "Ambiguities and lacunae: The international criminal court ten years on". *Journal of International Criminal Justice*, 11(2013): 553-561.